

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال یازدهم / دوره جدید / شماره ۴۲ / زمستان ۱۳۹۴
صص ۸۳-۹۶

جایگاه کتاب رسائل الحکمه نزد دروزیان و رویکردها به آن

● علیرضا ایمانی

عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب

● وحیده گلزاده یدکی

کارشناس ارشد شیعه شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول)

bent_alhoda41@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۱۲

چکیده

کتاب رسائل الحکمه، جایگاه ویژه‌ای در فرقه باطنی گرای دروزیه دارد. این کتاب، مهم‌ترین و معتبرترین متن دینی در دسترس از این فرقه است که توسط سه تن از مهم‌ترین شخصیت‌های بنیان‌گذار فرقه و در سالهای نخست دعوت به رشته تحریر درآمده است. حتی باور برخی محققان دروزی مذهب به وقوع تحریف در آن، نیز چیزی از درجه وثاقت آن نکاسته است. به دلیل همین قدمت و اعتبار است که تمامی محققان حوزه دروزیه، به استناد این کتاب، به معرفی یا نقد این فرقه پرداخته‌اند. اما نگاهها به این کتاب، خالی از تعصب، غرض ورزی، بزرگ‌نمایی و غلو نبوده است. گزارشهای ارائه شده از این کتاب توسط محققان غیردروزی، به گونه‌ای است که گویا این کتاب، عدل قرآن و یکسره کفر است. حال آنکه برای دستیابی به دیدگاهی سلیم، توجه به نکاتی همچون آشنایی با زبان عرفان و گنوسی‌گری، و نگاه جامع به رسائل و تأویل، مورد نیاز است.

کلیدواژه‌ها: رسائل الحکمه، دروزیه، حمزه بن علی، فرق اسماعیلیه.





مقدمه

دروزیان فرقه‌ای باطن‌گرا و منشعب شده از اسماعیلیه فاطمی مصر در قرن پنجم قمری هستند. سه تن از داعیان اسماعیلی به نامهای: حمزة بن علی، حسن فرغانی و محمد بن اسماعیل درزی در سال ۴۰۸ ق به دربار الحاکم بأمر الله، ششمین خلیفه فاطمی راه یافته و این فرقه را بنیان گذاردند. دروزیه به شدت به کتمان عقاید خود معتقد است.^۱ در این راستا، با تقسیم جامعه دروزی به عقّال و جهّال، جهال را که اکثریت دروزیان هستند، از مطالعه و حتی استماع متون دینی منع می‌کنند.^۲ طبق متون به دست آمده از این فرقه، ایشان معتقد به تجلّی خدا بر روی زمین هستند^۳ و در عین حال، خود را فرقه‌ای کاملاً تنزیه‌ی می‌دانند،^۴ تا آنجا که به خود لقب موحدان داده‌اند.^۵ به علاوه معتقد به تقمّص (که شعبه‌ای از تناسخ است)، می‌باشند^۶ و بسیار بدان مفتخرند و کتابها در تشریح این عقیده تدوین کرده‌اند.^۷

کتاب رسائل الحکمه^۸ کتابی ۷۰۰ صفحه‌ای متشکل از ۱۱۱ نامه است که از طرف حدود جسمانی^۹ دروزیه به داعیان و مبلغان مناطق و نواحی گوناگون نگاشته شده است.^{۱۰} این نامه‌ها در طی ۲۹ سال، در زمانهای مختلف، به قلم اشخاص متعدد و به اغراض گوناگون نگاشته شده‌اند. رسائل الحکمه، منبع عرفان خاص موحدان به شمار می‌رود. نامه‌های این کتاب، بخش عمده اسرار و خصوصیات این مذهب را تشکیل می‌دهد و بی‌شک هر تلاشی در جهت فهم مذهب دروزیان، از مسیر مطالعه رسائل الحکمه می‌گذرد.^{۱۱}

پیشینه پژوهش

اولین پژوهشها در باب دروزیه و معتقدات ایشان به همان قرن پنجم قمری و زمان پیدایش و ظهور این فرقه بازمی‌گردد. اما پژوهش در خصوص کتاب رسائل الحکمه به تاریخ سرقت آن توسط عثمانیان و فرانسویان از عزلت‌خانه‌های دروزیان، یعنی قرن ۱۶ میلادی برمی‌گردد؛ زیرا پیش از این، هیچ اطلاعی از محتوا و نامه‌های آن در دست نبوده است. نخستین پژوهش بر روی کتاب رسائل الحکمه به قرن ۱۹ و انتشار رسمی این کتاب در لبنان توسط مجموعه‌ای به نام «سلسله الحقیقة الصعبة» بازمی‌گردد که در آن، تاریخ متن

۱. رسائل الحکمه، رساله‌های «الرشد و الهدایة» و «توییح سکین»؛ تاریخ المسلمین الموحدین الدرّوز، ص ۷۱.
۲. رسائل الحکمه، رساله «التنزیه الی جماعة الموحدین»؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۳۱؛ دایرة المعارف تشیيع، ج ۷، ص ۴۸۸؛ طائفة الدرّوز تاریخها و عقائدها، ص ۲۸؛ تاریخ المسلمین الموحدین الدرّوز، ص ۷۱.
۳. به دلیل جایگاه ویژه این اعتقاد در این فرقه، نامه‌های بسیاری از کتاب رسائل الحکمه، به آن پرداخته است: «من دون قائم الزمان»؛ «کشف الحقایق»؛ «البلاغ و النهایة»؛ «کتاب فیه تقسیم العلوم»؛ «السیرة المستقیمة»؛ «بنی ابی حمار» و ...
۴. شمائل المسلمین الدرّوز، صص ۲۸-۳۳؛ رسائل الحکمه، رساله «کشف الحقایق».
۵. شمائل المسلمین الدرّوز، ص ۱۸؛ موسوعة هکذا نفهم مذهب التوحید الدرّوز، ج ۳، ص ۱۵۸.
۶. رسائل الحکمه، رساله‌های «التقمص الخفی» و «السفر الی السادة»؛ موسوعة هکذا نفهم مذهب التوحید الدرّوز، ج ۲، ص ۹۰؛ شمائل المسلمین الدرّوز، صص ۵۰-۷۱؛ اسلام الموحدین، ص ۳۰۰.
۷. در این خصوص می‌توان به «التقمص» نوشته امین طلیح، «التقمص» نوشته نبیه قاضی، «التقمص و اسرار الحیة و الموت» نوشته محمد خلیل پاشا اشاره کرد.

۸. برخی آن را «رسائل الحکمة الشریفة» خوانده و برخی نیز از آن با عنوان «کتب المعتقد» و «رسائل المعتقد» یاد کرده‌اند (تاریخ المسلمین الموحدین الدرّوز، ص ۷۱).
۹. طبق اعتقاد دروزیان، حدود، ارواحی هستند که از آغاز خلقت وجود داشته‌اند و در هر دوره‌ای در قالب اشخاص مختلفی که اغلب پیامبران و سرشناسان بوده‌اند، تجلی یافته‌اند. دروزیان به پنج حد معتقدند (رک: اضواء علی مسلک التوحید الدرّوزیة، ص ۱۱۴؛ العقیدة الدرّوزیة، ص ۵۷).
۱۰. موسوعة هکذا نفهم مذهب التوحید الدرّوز، ج ۲، ص ۳۷؛ طائفة الدرّوز تاریخها و عقائدها، صص ۸۹-۱۰۰.
۱۱. اسلام الموحدین، ص ۷۹.

نامه‌های رسائل الحکمه با مقدمه‌ای ۵۰ صفحه‌ای در ارزیابی کلی آن، ارائه شده است. پس از آن چندین کتاب از سوی مجموعه مذکور در خصوص دروزیان و با محوریت رسائل الحکمه به چاپ رسیده است. از آن میان می‌توان به بین العقل و النبی، مصادر العقیده الدرزیة، السلوک الدرزی و العقیده الدرزیة اشاره کرد. محمد احمد خطیب، منتقد شناخته شده فرق تشیع نیز کتابی به نام عقیده الدروز دارد. عمده ایراد وارد بر این کتابها، عدم رعایت کامل بی‌طرفی است. پس از این سیل انتقادات به دروز، نویسندگان دروزی مذهب همچون مرسل نصر، محمد کامل حسین، سامی نسیب مکارم، عبدالله نجار، نبیه محمود سعدی و دیگران نیز دهها جلد کتاب در دفاع از معتقدات خویش به چاپ رساندند که البته بیشتر این کتابها با نوعی محافظه‌کاری نگاشته شده و هیچ اشاره‌ای به رسائل الحکمه و محتوای نامه‌های آن نکرده‌اند. در زمینه پژوهشهای فارسی نیز باید گفت: هیچ کتابی در این موضوع نگاشته نشده است. تنها آستان قدس یک اثر ترجمه‌ای از خانم نجلاء أبو عزالدین منتشر کرده است. مقاله‌ای توسط علیرضا ایمانی در خصوص دروزیه و نه رسائل الحکمه به چاپ رسیده است و نیز اشاراتی کوتاه و گذرا در چند دایرة المعارف فارسی به چشم می‌خورد.

جایگاه کتاب رسائل الحکمه

جایگاه کتاب رسائل الحکمه در فرقه دروزیه، به علت اهمیت این کتاب و میزان اهتمام و عنایت دروزیان به آن، در چهار بخش مجزا مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱) تنها کتاب در دسترس

کمتر می‌توان مذهبی از مذاهب باطنی‌گری را یافت که به شدت و حدت دروزیان، توانسته باشد اسرار

و عقاید خود را مکتوم نگاه دارد. ایشان مجدانه معتقدات خود را از افشا نزد سایرین محافظت کرده‌اند. امری که در تاریخ ادیان کم‌نظیر است.^{۱۲} برای روشن‌تر شدن علت این مطلب، لازم است به جامعه بسته دروزیان اشاره‌ای شود. سامی نسیب مکارم که خود یک دروزی است، می‌گوید: اجازه مطالعه کتب عقیدتی در جامعه دروزی، تنها به طبقه عقال داده می‌شود. جز مردان^{۱۳} نیکو اخلاق و بلند همت که اطمینان به رازداری ایشان هست، نیز کسی به مرتبه عقال نمی‌رسد. حتی در ابتدای امر دعوت، کتابت رسائل الحکمه تنها برای حمزة بن علی (یکی از بنیان‌گذاران فرقه) جایز بوده است. اگر دیگرانی هم او را در این مهم یاری کرده‌اند، به علت اذنی بود که از حمزه دریافت داشتند.^{۱۴} در بخشی از رسائل به این مطلب تصریح شده است: «هیچ‌یک از حدود، نه مجاز به تألیف کتاب هستند و نه می‌توانند کتابهای موجود را در پاسخ به سؤال پرسش‌کنندگان برای ایشان قرائت کنند... و اگر بدون اذن خاص، چنین کنند؛ آن که کتاب را خوانده است و هر آن کس بدان گوش فرا داده است، همگی گناهکار هستند».^{۱۵} چاپ و نشر این کتابها و نیز آگاهی سایر مذاهب و طوائف از محتوای آنها ممنوع است و بدین منظور، تکثیر این کتب به صورت خطی انجام می‌شود. نوشتن دستی این کتابها، طبیعتاً وقت زیادی می‌طلبد و جز افراد سرشناس مذهبی که خطی نیکو داشته باشند، اجازه این کار را ندارند.

۱۲. البته دروزیان دلایلی برای این رفتار خود برمی‌شمارند. برای آگاهی از این ادله ر.ک: الموحدون الدروز فی الاسلام، صص ۱۰۷-۱۱۵؛ کشف الستار، صص ۲۱۹ و ۲۲۰.

۱۳. مراد از مردان، اعم مردان و زنان می‌باشد. زنان جامعه دروزی نیز با رعایت شرایط یکسانی می‌توانند از جامعه جهال به جامعه عقال منتقل شوند (العقیده الدرزیة، صص ۱۳۵).

۱۴. اسلام الموحدين، ص ۸۱؛ تاریخ المسلمین الموحدين الدروز، صص ۷۲.

۱۵. رسائل الحکمه، رساله «التنزیه الی جماعة الموحدين».





کتابت نیز باید با پر و با رنگهای مختلف انجام گیرد.^{۱۶} به جهت کندی این نوع تکثیر، نسخه‌های آن، تنها نزد عقالی که به مراتب بالای درک و فهم عقاید توحیدی رسیده‌اند، یافت می‌شود و هم ایشان نیز مرجعیت روحی دروزیان را بر عهده دارند. بنابراین قانع کردن شیوخ نسبت به در اختیار قرار دادن این نامه‌ها، همیشه کار دشواری بوده است.^{۱۷} با توجه به اینکه دعوت دروزیه، دعوت تبلیغی و تبشیری نیست، دروزیان هم اقدامی در جهت اظهار مذهب خود نمی‌کنند. ایشان همواره اعتقادات خود را در نهان ضمیر، پنهان داشته و هیچ‌گاه از آن سخن نمی‌گویند.^{۱۸} به همین جهت است که رسائل الحکمه، تنها کتاب در دسترس ما از میان کتب مرجع دروزیه است. اما چگونه با این همه محافظه کاری دروزیان، کتاب رسائل الحکمه چاپ شده و در دسترس سایرین قرار گرفته است؟

خلال حمله احمد حافظ پاشا در سال ۱۶۱۳م و ابراهیم بن محمد علی پاشا در سال ۱۸۳۴م و نیز توسط فرانسویان، تعدادی از کتب دینی دروزیه از کتابخانه (عزلت‌خانه)‌هایشان سرقت و به دمشق، مصر و کتابخانه‌های اروپا منتقل شد. از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین این عزلت‌خانه‌ها که کتب دینی در آن نگهداری می‌شد، عزلت‌خانه «البیاضه» در نزدیکی حاصیبا و در مجاورت روستای شبعابود.^{۱۹}

۲) مؤلفان سرشناس

یکی دیگر از برجستگیهای کتاب رسائل

الحکمه، مؤلفان آن می‌باشد. مؤلفان نامه‌های این کتاب، هر سه از بزرگ‌ترین و سرشناس‌ترین شخصیت‌های مذهب دروزی در قرن پنجم قمری می‌باشند. در این فرقه، پس از حاکم بامر الله که تجلی خداوند بر روی زمین تلقی می‌شود، پنج نفر که به «حدود خمسه» شهرت دارند، دارای بالاترین جایگاه مذهبی می‌باشند و رهبران اول فرقه محسوب می‌شوند.^{۲۰} برای آشنایی بیشتر با جایگاه نویسندگان و به تبع آن میزان اهمیت این کتاب، به زندگی‌نامه و جایگاه این سه نویسنده اشاره‌ای می‌شود:

الف) حمزة بن علی بن احمد زوزنی

حمزة بن علی که اولین نفر از حدود خمسه و مهم‌ترین ایشان است، روز پنجشنبه ۲۳ ربیع الاول سال ۳۷۵ق، مصادف با تاریخ ولادت حاکم بامر الله، در شهر زوزن از ناحیه خراسان متولد شد.^{۲۱} گفته می‌شود نماز هفتگی این فرقه در روزهای پنجشنبه، به سبب تولد حمزه در این روز است.^{۲۲} بر طبق آنچه در تواریخ آمده است، وی در سال ۴۰۵ یا ۴۰۶ق / ۱۰۱۴م به قاهره عزیمت کرد^{۲۳} و در سال ۴۰۸ق رسماً فرقه دروزیه را پایه‌گذاری نمود. وی به عقل، قائم عصر، علت العلل، سابق حقیقی، امر، همراه و ملازم، اراده^{۲۴} و هادی المستجیبین^{۲۵} ملقب است. نماد و نشانه او در کتابت نامه‌ها و نیز پرچم فرقه دروزیه رنگ سبز است.^{۲۶}

۲۰. رسائل الحکمة، رساله «الشمعة»؛ اسلام الموحدين، ص ۱۴؛

الاعلام، ج ۲، ص ۲۷۹؛ العقيدة الدرزية، ص ۵۷.

۲۱. تاريخ المسلمين الموحدين الدروز، ص ۳۷.

۲۲. عقيدة الدروز، ص ۱۰۰.

۲۳. الاعلام، ج ۲، ص ۲۷۹.

۲۴. اهل التوحيد الدروز، ج ۲، ص ۲۳۴.

۲۵. تلاشهای وی در پیشبرد دعوت و حضور او در عرصه‌های مناظره دینی و فلسفی مذهب، موجب شد که به «هادی المستجیبین» به معنای راهنمای پاسخ‌گویان ملقب شود (اصل الموحدين الدروز و اصولهم).

۲۶. کشف الستار، ص ۲۰۸.

۱۶. تاريخ المسلمين الموحدين الدروز، ص ۷۲؛ دائرة المعارف تشيع، ج ۷، ص ۴۸۸.

۱۷. طائفة الدروز تاريخها و عقائدها، ص ۲۹؛ دائرة المعارف تشيع، ج ۷، ص ۴۸۸.

۱۸. رسائل الحکمة، رساله‌های «توبيخ سکين» و «الرشد و الهداية»؛ تاريخ المسلمين الموحدين الدروز، ص ۷۱.

۱۹. تاريخ المسلمين الموحدين الدروز، ص ۷۳؛ دائرة المعارف القرن العشرين، ج ۴، ص ۲۴؛ الغلو و الفرق الغالية بين الاسلاميين، ص ۹۰۳.

حمزه، زعییم و رهبر فکری دعوت محسوب می‌شود. او کسی است که راه حاکم را ادامه داد و شکل امروزی مذهب درزی نتیجه فعالیت‌های او است.^{۲۷} وی آثار متعددی در مذهب دروزی تألیف کرد. امروزه دروزیان لبنان دارای تقویم مجزایی هستند که از سال ۴۰۸ ق آغاز می‌شود و به «دوره حمزه» معروف است.^{۲۸}

گفته می‌شود دروزیان، حمزه را رسول خدا می‌دانند. زرکلی در این خصوص در الاعلام چنین می‌گوید: «سال ۴۰۸ ق، حمزه دعوت را علنی کرد و آشکارا از الوهیت حاکم سخن گفت و ادعای رسالت خود را کرد. حاکم نیز بر این انتساب صحه گذاشت و او را «رسول الله» لقب داد.»^{۲۹}

به عقیده دروزیان، حمزه پیش‌تر در قالب انسان‌های دیگری ظاهر شده است. در زمان حضرت آدم (ع) در جسم شطنیل حلول کرده و در عصر نوح (ع) در قالب فیثاغورث، در دوره ابراهیم (ع) در قالب داوود، در زمان موسی (ع) در قالب شعیب، در عهد عیسی (ع) در قالب الیسوع و در عصر پیامبر (ص) در جسم سلمان ظهور یافته است^{۳۰} و هموست که - نعوذ بالله - قرآن را بر پیامبر (ص) املا کرده است.^{۳۱}

دروزیان همچنان بر این تکریم و احترام پایبند هستند. کمال جنبلاط - از علمای معاصر دروزی - در مقدمه‌اش بر کتاب *اضواء علی مسلک التوحید الدرزیة* می‌گوید: «لازم است که فرزندان توحید (دروزیان)، این تقدیس و تکریم را همچون سنتی پسندیده حفظ کنند؛ زیرا در حقیقت هستی و در پایان امر، هیچ ولایت و برتری بر موحدان و

تمامی مخلوقات وجود ندارد، مگر آنکه از برای عقل اول است که سلام و درود پروردگار حاضر و ناظر بر او باد».^{۳۲}

ب) ابوابراهیم اسماعیل بن محمد بن حامد تمیمی ابوابراهیم، داماد حمزه^{۳۳} و دومین حد از حدود خسته دروزیان است. پس از حمزه، او در مرتبه دوم حدود قرار داشت و به واسطه شمشیر برنده‌اش، مشهورترین آنها بود. او عالم، شاعر و فرمانده لشکر بود.^{۳۴} او در بسیاری از میدان‌های پیروزی و سربلندی، فرماندهی سپاهیان حاکم بامر الله را بر عهده داشت. او دست راست بزرگ حدود، حمزه بن علی بود و برخی از نامه‌های *رسائل الحکمه*، نگاشته او است. نشانه و علامت وی، رنگ قرمز بود.^{۳۵} دروزیان (اعم از عقاب و جهال ایشان) او را حامی و محافظ خود می‌دانند و هنگام سختی و مصیبت به سرعت صدای «یا ابوابراهیم» از هر طرف بلند می‌شود و او را به یاری می‌طلبند؛ زیرا شمشیر برنده وی در زمان حیاتش، همواره منجی ایشان از خطرات بود.^{۳۶} وی را نفس کلی، *الحجة الصفیة الرضیة*،^{۳۷} *أخنوخ*^{۳۸} زمان، ادریس عصر، *هرمس الهرامسة*^{۳۹} و *الشیخ المجتبی*^{۴۰} لقب داده‌اند.^{۴۱}

ابوابراهیم، از بزرگان و سران عرب بود که در سال ۳۹۷ ق / ۱۰۰۶ م برای همراهی با حاکم بامر الله از او دعوت به عمل آمد، تا از شام به قاهره عزیمت کند، او نیز اجابت کرد. در سال ۴۰۸ ق بود که از

۳۲. *اضواء علی مسلک التوحید الدرزیة*، ص ۲۰.

۳۳. *تاریخ المسلمین الموحدین الدروز*، ص ۳۸.

۳۴. همان، ص ۸۳.

۳۵. *کشف الستار*، ص ۲۰۸.

۳۶. *تاریخ المسلمین الموحدین الدروز*، ص ۳۹.

۳۷. یعنی حجت مورد رضای الهی.

۳۸. نام یکی از پیامبران الهی است.

۳۹. یعنی بالهت‌ترین اشخاص.

۴۰. یعنی شیخ برگزیده.

۴۱. من هم الموحدون الدروز، ص ۸۳.

۲۷. *تاریخ المسلمین الموحدین الدروز*، ص ۲۹.

۲۸. *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ص ۲۲۷.

۲۹. *الاعلام*، ج ۲، ص ۲۷۹.

۳۰. *عقیده الدروز*، ص ۱۰۰.

۳۱. «تاریخ و اندیشه دروزیه»، ص ۵۵۷.





طرف حمزه به مرتبه رفیع خود در تبلیغ و دعوت رسید و حدّ دوم از حدود پنج‌گانه دروژی شد.^{۴۲} (ج) بهاء‌الدین سموقی (مقتنی)

ابوالحسن علی بن احمد سموقی معروف به بهاء‌الدین، در روستای سموقیه واقع در نزدیکی شهر حلب سوریه به دنیا آمد. وی عالم بود و علاوه بر تسلط به دیانت مسیح، نویسنده‌ای چیره دست بود. او را تالی، جناح چپ، بهاء‌الدین،^{۴۳} لسان المؤمنین، سند الموحدین، الناصح لکافة الخلق أجمعین^{۴۴} و الشیخ المقتنی^{۴۵} لقب داده‌اند.^{۴۶} او که آخرین نفر از حدود خمسه است، در راه دعوت به آیین توحید، پرتلاش‌ترین حدود پنج‌گانه بود، تا آنجا که اکثر نامه‌های رسائل الحکمه به قلم او است. نویسنده‌ای فاضل و توانا بود، چنان‌که اعجاب حمزه بن علی را برانگیخت.^{۴۷} انتصاب مقتنی به عنوان یکی از حدود خمسه، به سال دوم فعالیت‌های حمزه برمی‌گردد. در تاریخ ۱۳ شعبان سال ۴۱۰ق، حمزه طی رساله‌ای تحت عنوان «تقلید المقتنی»، وی را به این سمت منصوب کرد.^{۴۸} گفته می‌شود با وجود نقش برجسته و فراوان وی در امر دعوت و نیز کتابت نامه‌های رسائل الحکمه، علت اینکه وی آخرین نفر از حدود خمسه است، به آشنایی متأخر حمزه با او برمی‌گردد.^{۴۹}

بهاء‌الدین پس از غیبت حاکم، حمزه و سایر حدود، نقش مهمی را در سیر دعوت توحیدی ایفا نمود. او همواره با حمزه بن علی در زمان سترش - سال

۴۰۹ق - در تماس بود. پیوسته نامه‌هایی برای روحیه دادن به موحدان تحت ظلم و فشار شام می‌نگاشت و به ایشان وعده نزدیکی پایان دوره رنج و محنت را می‌داد. تا سال ۴۲۴ق بی‌وقفه در مسیر دعوت به توحید مبارزه کرد.^{۵۰} در حقیقت وی که کوچک‌ترین حدود از نظر مرتبه بود، به کمک و راهنمایی‌های «امام زمان»، حمزه، که در مکانی سری در قاهره مخفی شده بود، دعوت را از نو زنده کرد،^{۵۱} تا اینکه در سال ۴۳۴ق یا بنا بر نقلی ۴۳۶ق، به علت افزایش ظلم و ستم نسبت به موحدان و آوارگی ایشان، دعوت و تبلیغ را تعطیل اعلام کرد.^{۵۲} آخرین نامه از رسائل، مربوط می‌شود به سال ۴۳۳ق که به دست خود وی نگاشته شده است.^{۵۳}

۳) شروع فراوان بر رسائل الحکمه

بزرگ‌ترین شخصیت‌های دینی این فرقه، از شارحان رسائل الحکمه هستند؛ زیرا نامه‌های رسائل الحکمه به سبک سجع نگاشته شده‌اند و از رموز و تشبیهات بسیاری در آنها استفاده شده است. برخی عبارات و تعابیر فارسی هم در لابه‌لای آنها به چشم می‌خورد. بنابراین اغلب دروژیان، قادر به فهم رسائل الحکمه و حل رموز آن نیستند. همین مطلب، انگیزه‌ای شد برای برخی عالمان این آیین، تا به شرح نویسی بر رسائل الحکمه اقدام کنند. از جمله این شارحان می‌توان به امیر سید عبدالله تنوخی اشاره کرد. وی جایگاه بسیار رفیعی در فرقه دروزیه دارد و احیاگر مذهب^{۵۴} لقب گرفته است. از او بیش از ۱۴ جلد شرح به جای مانده که ارزشمندترین آنها، شرح «رساله

۴۲. اهل التوحید الدرّوز، ج ۲، صص ۲۳۷ و ۲۳۸.

۴۳. یعنی شکوه و جلال دین.

۴۴. یعنی خیرخواه تمام خلق.

۴۵. شخصی که سرمایه و ذخیره دین برای روزهای سخت و دشوار است.

۴۶. اهل التوحید الدرّوز، ج ۲، ص ۲۳۴.

۴۷. کشف الستار، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۴۸. تاریخ المسلمین الموحدین الدرّوز، ص ۳۵.

۴۹. العقیده الدرّوزیه، ص ۶۸.

۵۰. کشف الستار، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۵۱. تاریخ المسلمین الموحدین الدرّوز، ص ۳۴.

۵۲. من هم الموحدون الدرّوز، ص ۸۴؛ تاریخ المسلمین الموحدین الدرّوز، ص ۴۰.

۵۳. تاریخ المسلمین الموحدین الدرّوز، ص ۳۵.

۵۴. تاریخ الدرّوز فی آخر عهد الممالیک، ص ۸۴؛ اسلام الموحدین،

صص ۷۸-۸۷؛ بحوث فی الملل و النحل، ج ۸، ص ۳۶۰.

کشف الحقایق» از مجموع نامه‌های کتاب رسائل الحکمه است. این تفسیر، کتابی قطور با بیش از ۱۰۰۰ صفحه می‌باشد که شرح نامه ۱۳ از کتاب رسائل است و مختصری از عقیده دروزی را به شکلی عمیق و مکفی، بیان می‌کند. تمامی تألیفات سید، خطی و محرمانه است. دروزیان جایگاهی همچون خود رسائل الحکمه برای آنها قائلند و بدان اعتماد کامل دارند.^{۵۵}

عبدالملک اشرفانی (زنده در قرن ۱۷م)، یکی دیگر از این شارحان می‌باشد. وی صاحب کتاب «عمدة العارفين فی قصص النبیین و الامم السالفین» در شرح رسائل می‌باشد.^{۵۶} این کتاب در میان دروزیان چنان شهرتی یافت که هیچ کتاب دیگری جز کتب امیر سید، به این حد از شهرت نرسیده است. نیز کتاب «الدرر المضيئة و اللمع النورانية فی تلخیص ألفاظ الحکمة الشریفة و معانیها الروحانية»، از آثار اشرفانی است و همچنان که از نامش پیدا است، لغت‌نامه الفاظ رسائل الحکمه است که کلمه به کلمه لغات رسائل را معنی کرده است. این کتاب ۷۷۰ صفحه در قطع بزرگ و همچنان خطی است.^{۵۷} از دیگر شروح بر رسائل الحکمه می‌توان از «النقط و الدوائر» اثر زین‌الدین عبدالغفار تقی‌الدین نام برد که برخلاف شروح قبلی، در دسترس است و در قم نیز به چاپ رسیده است.

۴) اعتبار کتاب

می‌توان گفت که رسائل الحکمه، معتبرترین کتاب مرجع دروزیان است؛ زیرا هم دروزیان و هم غیردروزیان و پژوهشگران این عرصه، آن را پذیرفته‌اند و هیچ‌گونه تردید و شبهه‌ای در اصل آن یا استناد آن به مؤلفان مورد ادعا و یا محتوای

کتاب، وجود ندارد. حتی انتقادی‌ترین کتابهای نگاشته شده در زمینه دروزیان، ایرادی به سند رسائل الحکمه نگرفته‌اند. به عنوان نمونه محمد احمد خطیب، از جمله سنیان منتقد این مذهب است که کتاب عقیده الدروز را در رد این فرقه نگاشته است. وی در خصوص «مصحف دروز» یا «مصحف منفرد بذاته» که یکی دیگر از کتب مرجع دروزیان و مورد قبول خود ایشان است، چنین می‌گوید: «دروزیان در تلاش برای امروزی کردن دین خود، اقدام به تألیف و چاپ کتابی کردند که «مصحف دروز» یا «مصحف منفرد بذاته» خوانده می‌شود و آن را به حمزة بن علی نسبت دادند. حال آنکه کمال جنبلاط^{۵۸} نویسنده آن است. دلیل بر این مطلب هم الفاظ و عبارات و ساختار امروزی جملات آن است که گویای جدید التالیف بودن کتاب است و انتساب آن به جنبلاط را قوت می‌بخشد. وی بسیار متعصب بود و می‌کوشید مذهب دروزی را با مذاهب هندی ارتباط دهد. او قرآن را رد می‌کرد و آن را دروغ می‌پنداشت. وی با همراهی «عاطف عجمی» و منفرد بذاته» و قصد داشت اسلوب قرآن را تقلید کند».^{۵۹}

در حالی که دیدیم اصل استناد مصحف دروز از ریشه مورد تردید است، نهایت اشکالی که برخی مورخان از جمله زرکلی در خصوص رسائل الحکمه دارند، سهم هر یک از سه مؤلف در کتابت نامه‌ها است. زرکلی در الاعلام خود می‌گوید: «دوستم فؤاد حمزه که از یک خانواده سرشناس

۵۸. کمال جنبلاط (۱۹۱۷-۱۹۷۷م) یکی از رهبران معاصر دروز و از سیاستمداران کهنه‌کار لبنان بود. وی چندین دوره نماینده مجلس لبنان بود. به ادیان قدیمی هند آشنایی و تسلط کامل داشت و بنابراین سفرهای بسیاری به آن دیار کرده بود. وی در سال ۱۳۹۷ق و پس از ناآرامیهای لبنان کشته شد.

۵۹. عقیده الدروز، ص ۸۸.

۵۵. بین العقل و النبی، صص ۲۳، ۲۴ و ۴۳۲؛ مصادر العقيدة الدرزية، ص ۷.

۵۶. الدروز فی التاريخ، ص ۱۷.

۵۷. بین العقل و النبی، صص ۴۳۴ و ۴۳۵.





دروزی بوده، اما اکنون از مذهب دروز روی گردان شده، به من می‌گفت: بعضی از نامه‌هایی که به حمزه نسبت می‌دهند، در حقیقت نوشته شخص دیگری است. حجم وسیعی از نامه‌های رسائل الحکمه به قلم علی بن احمد سموقی ملقب به بهاء‌الدین است. به طور کلی، کتابهای شش‌گانه دروزیان، اثر چهار نفر است: شخص حاکم که تعداد نامه‌هایش اندک است و از جمله آنها می‌توان «میثاق» و «سجل» را نام برد که بر دیوار مساجد آویزان است. دوم حمزه که نامه‌های او زیاد نیست. سوم اسماعیل بن محمد تمیمی و چهارم بهاء‌الدین صابری یا همان علی بن احمد سموقی که بخش اعظم نامه‌ها از او است. همو پایه‌های دعوت را محکم کرد و بیشترین سهم را در پیشبرد دعوت داشت».^{۶۰}

جایگاه رسائل الحکمه نزد پیروان

دروزیان رسائل را به عنوان کتاب مرجع و اولین مکتوب فرقه‌ای خود، می‌پذیرند. چنان‌که اشاره شد، دو کتاب مرجع از دروزیان به انتشار رسیده است: «مصحف منفرد بداته» و «رسائل الحکمه». با اینکه مصحف منفرد بداته نیز منتسب به حمزه بن علی است، اما به جرئت می‌توان ادعا کرد رسائل الحکمه نزد دروزیان و محققان این حوزه، جایگاه بسیار مهم‌تری دارد. گفته می‌شود در جریان انتشار کتاب رسائل الحکمه - که سالها پس از سرقت آن از مخفی‌خانه‌های دروز رخ داد - دفتر ناشر کتاب به آتش کشیده شد و مسبب انتشار این کتاب نیز از طرف دروزیان به قتل رسید. این خود گویای میزان اهمیت این کتاب نزد دروزیان است.

البته برخی از نویسندگان دروزی مذهب هیچ اظهار نظری نسبت به این کتاب یا محتوای آن

نکرده‌اند. حتی برخی نویسندگانی که سعی در پاسخ به شبهات مطرح شده در خصوص این فرقه داشته‌اند، رسائل الحکمه را مورد غفلت قرار داده‌اند، به عنوان نمونه، نایف عبدالخالق در ابتدای کتابش، دفاع از دروزیه و شبهاتی که در خصوص عقاید ایشان مطرح شده را یکی از سه دلیل برای نگارش کتاب ۳۰۰ صفحه‌ای خود ذکر می‌کند، اما در هیچ‌کجای کتابش نه به فرازی از نامه‌های رسائل اشاره می‌کند و نه حتی نامی از این کتاب می‌برد. گویا که اصلاً چنین کتابی نبوده و نیست. او به طور مفصل به عقایدی همچون تجلی و تقمص پرداخته است، اما در دفاع خود از این معتقدات و تلاش بر اثبات صحت آنها، جز به قرآن و برخی احادیث استناد نمی‌کند. می‌توان گفت مشخصه کتاب وی، استدلال فراوان به قرآن است. تقریباً کمتر صفحه‌ای از کتاب او خالی از استدلال به آیه‌ای قرآنی است.^{۶۱} مرسل نصر نیز به تجلی و تقمص و تکفیر دروزیه به سبب این دو عقیده و سایر معتقدات دروزیه می‌پردازد، اما به هیچ فرازی از رسائل که دربر دارنده تجلی و تقمص باشد، اشاره‌ای نمی‌کند.^{۶۲} تنها در سه سطر از کتابش اشاره‌ای کوتاه به رسائل الحکمه می‌کند و از نامه‌هایی سخن می‌گوید که به دروغ به مبلغان و داعیان دروزی نسبت داده شده است. اما مشخص نمی‌کند که آیا منظورش تعداد مشخصی از نامه‌های رسائل است، یا مجموع رسائل را نمی‌پذیرد؟^{۶۳} امین طلیح نیز از جمله نویسندگانی است که حتی نام رسائل الحکمه را در کتابش نیاورده است.^{۶۴}

اما چنان‌که گفته شده است: «عدم اطلاعات،

۶۱. ر.ک: شمائل المسلمین الدروز.

۶۲. ر.ک: الموحدون الدروز فی الاسلام.

۶۳. همان، ص ۸۵.

۶۴. ر.ک: اصل الموحدين الدروز و اصولهم.

خود، اطلاعات است».^{۶۵} همین غفلت تعداد قابل توجهی از نویسندگان و محققان دروزی مذهب نسبت به رسائل الحکمه و سکوت در مقابل آن، می‌تواند بهترین دلیل بر پذیرش آن باشد؛ زیرا اگر غیر این بود، قطعاً بارها آن را توطئه‌ای برای بدنام کردن دروزیه خوانده و افشاگری می‌کردند. خود همین سکوت، دلیل بر آن است که در انتساب این کتاب به خود، تأمل و اعتراضی ندارند. در خصوص انگیزه سکوت در خصوص رسائل، باید گفت: این رفتار دروزیان منطقی به نظر می‌رسد. آسان‌ترین راه برای دفع شبهه، استفاده از کلماتی است که ایجاد سوءظن و سوءبرداشت نمی‌کنند. به این دلیل همگان در مقام استدلال، به سراغ محکومات می‌روند، نه متشابهات، چنان‌که فیلسوفی اگر بخواهد در مقابل مکتب تفکیک از خود دفاع کند، سراغ اسفار نمی‌رود. متصوف سراغ طوامیس و کتب ابن‌عربی نمی‌رود. این طبیعت هرکسی است که در مقام دفاع و نه تبیین است. ما نیز اگر در مقام دفع شبهه‌ای مثلاً در خصوص مقام اهل‌بیت باشیم، کمتر از متن زیارت جامعه کبیره استفاده می‌کنیم. به این دلیل که زبان این دعا زبانی عمیق و پر از رموز عرفانی و فلسفی است. اگر خواننده گفتار ما، با نگاهی سطحی بخواهد ظاهر کلام ما را بگیرد، قطعاً شبهه در ذهن او پررنگ‌تر خواهد شد. پس به طور طبیعی از متون ساده شاهد می‌آوریم. نویسندگان دروزی نیز چه بسا همین مسیر را پیموده‌اند. توضیح عبارات جنجالی رسائل برای ذهنهایی که از اساس با باطنی‌گری مخالف‌اند، دشوار خواهد بود؛ کتاب‌هایی که دروزیان در توضیح مذهب خویش نگاشته‌اند، نیز خطاب به مسلمانان است که اکثر ایشان از اهل سنت هستند. اهل سنت نیز

تأویل را به رسمیت نمی‌شناسند.^{۶۶} بنابراین برخی نویسندگان دروزی ترجیح داده‌اند در مواجهه با این تفکر، اشاره‌ای به متن رسائل الحکمه نکنند؛ زیرا به نظر می‌رسد راه توضیح برخی عبارات رسائل، فقط تأویل است. مخاطب نیز تأویل را نمی‌پذیرد. پس ذکر متن برخی نامه‌ها، می‌تواند به عنوان نوعی اعتراف علیه ایشان استفاده شود، بنابراین از ذکر آن خودداری کرده‌اند.

به هر روی نویسندگان سرشناسی همچون عبدالله نجار، نبیه محمود سعدی، زعبی، صالح زهرالدین و ... به رسائل الحکمه و نامه‌های آن اشاراتی داشته‌اند. زهرالدین، فصل هشتم از کتاب خود را به رسائل الحکمه اختصاص داده است و در سه صفحه از ویژگی‌های رسائل، به خصوص سری بودن آن سخن گفته است. شاید به همین سبب است که در تمام کتاب وی، نمی‌توان حتی یک ارجاع به رسائل یافت. تنها یک‌جا به عبارتی سه کلمه‌ای از رسائل اشاره می‌کند که آن را نیز به جای رسائل الحکمه، به کتاب عبدالله نجار ارجاع می‌دهد.^{۶۷} نبیه محمود سعدی نیز در جلد نخست از کتاب خود موسوعه هکذا نفهم مذهب التوحید الدروز، ارجاعات زیادی به نامه‌های رسائل کرده و حتی در بسیاری موارد، عین متن مربوطه در رسائل را آورده است. نیز در جلد دوم از کتابش، در ابتدای هر فصل، فرازی کوتاه از رسائل را ذکر کرده و در همین مجلد، یک مقاله هشت صفحه‌ای را به رسائل الحکمه و تشریح نامه‌ها و موضوعات مطرح شده در آن، اختصاص داده است. وی در بخشهایی از کتاب خود، به طور مفصل به برخی جملات ابهام‌آمیز و مورد شبهه در متن رسائل الحکمه پرداخته و در خصوص تعارض موجود در نامه‌های رسائل، طریقه حل این تعارضات،

۶۶. مجموعه رسائل الإمام الغزالی، صص ۵۷۹-۵۸۵.

۶۷. تاریخ المسلمین الموحدين الدروز، ص ۶۲.

۶۵. روش شناسی مطالعات دینی، ص ۱۲۱.





تحریف رسائل و ... سخن گفته است.^{۶۸} اما این بدین معنا نیست که دروزیان تمام آنچه را در رسائل آمده است، یکسره می‌پذیرند. سخن نویسندگان دروزی در خصوص محتوای رسائل، به صراحت گویای این مطلب است که از منظر ایشان، برخی از این مکتوبات جعلی هستند و تناقضهای موجود در متن نامه‌ها، ایشان را بر آن داشته است که به نوعی جرح و تعدیل در قبول محتوای کتاب روی بیاورند. در این میان محمدعلی زعبی نگاه تشکیکی وسیعی دارد. وی تا آنجا پیش رفته که ۱۰۷ نامه از مجموع ۱۱۱ نامه رسائل را جعلی و تحریف شده خوانده است!^{۶۹} اما زعبی در این دیدگاه خود تنها به نظر می‌رسد؛ زیرا سایر قائلان به جرح و تعدیل در رسائل همچون عبدالله نجار، عسراوی و مرسل نصر، معتقد به یک تحریف اجمالی و محدود در نامه‌های رسائل هستند و نیز همچون زعبی به صراحت به بخش معینی از رسائل اشاره نمی‌کنند.^{۷۰} برخی همچون سامی نسیب مکارم نیز تحریف را نمی‌پذیرند و نسبت به قائلان تحریف موضع می‌گیرند.^{۷۱} همین بحث و جدلها و تشکیکها در محتوای رسائل، نشان می‌دهد این کتاب، آن‌چنان که برخی ادعا کرده‌اند، نه تنها نمی‌تواند کتاب مقدس دروزیان^{۷۲} و عدل قرآن باشد، بلکه تمام محتوای آن نیز قطعی و حجت نیست. گرچه بی‌شک جایگاه مهمی دارد و کتاب نخست این فرقه به شمار می‌رود، اما محتوای آن مورد تشکیک است. به علاوه آن حساسیتی که نسبت به انتشار اصل این کتاب بوده، در خصوص

تردیدهای مطرح شده از سوی نویسندگان دروزی مذهب، وجود ندارد. هیچ‌یک از مشککان در حجت محتوای رسائل به قتل نرسیده‌اند. طرد یا تهدید نشده‌اند. پس فی‌الجملة می‌توان گفت که دیدگاه تشکیکی این نویسندگان به رسائل، از سوی بزرگان و شیوخ دروزیه مردود نیست.

برای تقریب به ذهن و درک بهتر جایگاه رسائل الحکمه در میان دروزیان و نوع نگاه ایشان به این کتاب، از مکتوبات شیعیان امامی مثالی بیان می‌شود. مشابه آنچه در خصوص رسائل الحکمه ذکر شد، نسبت به احادیث موجود در جوامع حدیثی شیعه امامی همچون الکافی نیز وجود دارد. الکافی بدون تردید کهن‌ترین، جامع‌ترین و مفصل‌ترین جامع حدیثی شیعه است. در عصر حیات معصوم (غیبت صغری) نگاشته شده است و در اصل استناد این کتاب هیچ تردیدی نیست. همواره نسخه‌های متعدد از آن میان علمای بزرگ شیعه دست به دست می‌گشته و با دقت هرچه تمام‌تر مورد مقابله و مذاقه علمی و تدریس قرار داشته است.^{۷۳} با این حال، زمانی که علامه مجلسی مرآة العقول را در شرح آن می‌نویسد، از مجموع ۱۶ هزار حدیث آن، نه هزار حدیث - یعنی قریب دو سوم کتاب - را ضعیف می‌شمارد. لیکن هرگز کسی پیشنهاد کنار گذاردن این کتاب را مطرح نکرده است. حتی خود علامه مجلسی پس از تضعیف قریب دو سوم کتاب الکافی، به شرح آن در ۲۸ جلد اقدام کرده است. حدیث شناسان و علمای معاصر همچون آیت‌الله ری شهری و آیت‌الله تسخیری و دیگران، یکی از وظایف امروز ما در خصوص این کتاب شریف را، تنقیح احادیث آن برمی‌شمرند.^{۷۴} برخی علمای گذشته همچون سید محسن امین جبل عاملی صاحب اعیان الشیعه، علامه شوشتری و ... نیز

۶۸. رک: موسوعة هكذا نفهم مذهب التوحيد الدرزي، ج ۱، ص ۲۰۱.

۶۹. رک: الدرزي ظاهرهم و باطنهم، ص ۸۴.

۷۰. رک: الموحدون الدرزي في الاسلام؛ المذهب التوحيدي الدرزي.

۷۱. رک: اذواء على مسلک التوحيد الدرزي.

۷۲. مجموعه کتابهای چاپ شده از طرف «سلسلة الحقيقة الصعبة» سعی در القای این مطلب داشته است و در معرفی منشورات خود، همیشه از رسائل الحکمه با عنوان «رسائل الحکمة المقدسة» یاد می‌کند.

۷۳. «نظرخواهی درباره کتاب کافی و شیخ کلینی»، ص ۳۱.

۷۴. همان، صص ۲۶-۲۹.

در جهت تنقیح آن تلاش کرده‌اند.^{۷۵} در خصوص صحیح بخاری، اولین مرجع حدیثی اهل سنت نیز جرح و طعنهایی مطرح است. ابن حجر در مقدمه کتاب *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری* نام بیش از ۴۰۰ نفر از رجال بخاری را ذکر می‌کند که هریک به نوعی مورد طعن رجالیون اهل سنت قرار گرفته و ضعیف و غیر موثق شناخته شده‌اند. لیکن با تمام این احوال، صحیح بخاری همچنان مهم‌ترین و معتبرترین کتاب مرجع دینی اهل سنت پس از قرآن کریم است.

سند برخی نامه‌های *رسائل الحکمه* نیز می‌تواند مورد تشکیک باشد و در عین حال، *رسائل*، مهم‌ترین کتاب مرجع فرقه دروزیه محسوب گردد. حتی می‌توان گفت جایگاه *رسائل الحکمه* برای دروزیان از این هم بالاتر است؛ زیرا شیعه و سنی، کتابهای *الکافی* و *صحیح بخاری* را محصول تلاش انسانی می‌دانند و کاستی و خطا (هرچند اندک) در آن محتمل است. اما دروزیان کتاب خود را نگاهشته انسانهایی می‌دانند که روح انبیا در آنها حلول یافته و بشر عادی نیستند. ایشان کاتبان *رسائل* را به کلی میرا از نقص و خطا می‌دانند.

غرض ورزی در نگاه به *رسائل*

رسائل به عنوان تنها کتاب مرجع و در دسترس از این فرقه، بسیار مورد استفاده و استناد محققان و نویسندگان حوزه دروزیه قرار گرفته است. اما کمی دقت در متن *رسائل* و نوع ارجاعات نویسندگان به این کتاب، گویای تعصب و غرض ورزی ایشان در برخورد با *رسائل* است. در کتابهایی که دروزیه را به قضاوت نشسته‌اند، تنها عبارات تند و گزنده از *رسائل الحکمه* انتخاب و با تیتیر درشت نقل شده

است.^{۷۶} شاید کتابی با خصوصیات *رسائل الحکمه* که سالها در عزلت‌خانه‌ها نگاه داشته می‌شد، تمام نسخه‌های آن دست نویس بود،^{۷۷} هرکسی اجازه استماع آن را نداشت^{۷۸} و عامل نشر آن نیز به قتل می‌رسید، در نگاه اول مرموز بیاید،^{۷۹} اما این دلیل کافی نیست، تا در *رسائل*، تنها به دنبال این باشیم که به چه کسی توهین شده است، ظاهر کدام عبارات با توحید و معاد ناسازگار است و به استناد کدام فراز کتاب، می‌توان معتقدان به آن را تکفیر کرد و به جهنم فرستاد ...

حقیقت این است که *رسائل الحکمه*، اولین و آخرین کتاب از این دست نیست. در تاریخ، کتابهای بسیاری مشابه *رسائل الحکمه* هستند. کتابهایی که به هر دلیل، در زمانی با مخالفت وسیعی روبه‌رو می‌شدند و راهی جز مخفی کردن آنها نبوده است. تاریخ فلسفه، عرفان و تصوف پر است از کتابهایی که در چندین سوراخ پنهان و مخفیانه قرائت می‌شدند، سرهایی که بالای دار رفت، علمای بزرگی که در حاشیه نگاه داشته شدند، تکفیر و یا تبعید شدند.

این ترس و پنهان کاری از طرف عرفا، فلاسفه و دیگران، به جهت عمق مطالب کتب ایشان و ترس از سطحی نگری و ظاهرگرایی نسبت به محتوای این کتابها است؛ زیرا بسیاری مترصد بودند تا به کمترین بهانه‌ای، به افکار نو و سخنان بدیع، برچسب کفر بزنند. کمتر عالم منصف و عادل^{۸۰}

۷۶. رک: عقیده الدروز؛ بین العقل و النبی؛ العقیده الدرزیة.

۷۷. دایرة المعارف تشیع، ج ۷، ص ۴۸۸.

۷۸. *رسائل الحکمه*، رساله «التنزیه الی جماعة الموحدين»، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۳۱.

۷۹. بنابراین برخی به آن لقب «کتاب مقدس دروزیان» داده‌اند (رک: مصادر العقیده الدرزیة؛ بین العقل و النبی).

۸۰. آیت‌الله خویی ضمن ذکر تفصیلی معانی مختلف وحدت وجود عرفا در کتاب *التنقیح*، منصفانه و متواضعانه می‌گوید: «گرچه حقیقت مرام ایشان هنوز واضح نشده است، اما صرف عقیده به این معنا مستلزم کفر نیست» (*التنقیح فی شرح عروة الوثقی*، ج ۲، ص ۸۳).

۷۵. رک: مجموعه مقالات فارسی کنگره بین‌المللی ثقة الاسلام کلینی، ج ۲، صص ۳۱۷-۳۲۳.





پیدا می‌شد که اعتراف کند فلان اندیشه نو در حیطه مطالعات و معلومات من نیست، یا اعتراف کند که من فقیه هستم، متکلم هستم و زبان عرفان را نمی‌فهمم. زبان فلسفه را نمی‌فهمم. فقیه، متکلم و دیگران هر یک با عینک خود می‌دیدند و نقد می‌کردند. بنابراین صاحبان این اندیشه‌ها، ترجیح می‌دادند به جای تمام توان در بحث و جدل با برخی علما، سخن خود را پنهان کنند، تا زمان طرح عمومی آن فرابرسد.

مطالعه صحیح رسائل

برای شناخت صحیح از یک فرقه، تنها مراجعه به کتب مرجع آن فرقه کافی نیست، بلکه باید آگاهیهای دیگری همچون آشنایی اجمالی با تاریخ و ظرف زمانی پیدایش و نمو آن فرقه، نگاهی جامع به تمامی معتقدات فرقه و ... داشت. در مطالعه رسائل الحکمه به عنوان اصلی‌ترین منبع شناخت فرقه باطنی‌گرای دروزیه نیز باید به چند نکته توجه داشت: آشنایی با زبان عرفان و گنوسی‌گری، لزوم تأویل در برخی موضوعات رسائل، و نگاه جامع به تمام آنچه در رسائل مطرح شده است.

باید توجه داشت چه حجمی از رسائل، را عبارات تند و گزنده تشکیل می‌دهد؟ واکنش و برداشت خود دروزیان از این عبارات چیست؟ همچنین باید توجه داشت که دروزیان تمام رسائل را حجت نمی‌شمارند، پس چگونه است که محققان این عرصه، به هر آنچه در رسائل آمده است، با قاطعیت استناد می‌کنند؟ به عنوان نمونه، چهار نامه ابتدایی رسائل و نیز نامه ۴۲ که «التنبیه و التادیب» نام دارد، محتوایی کاملاً اسلامی دارند. گویا نوشته یک عالم شیعی یا سنی معتدل را می‌خوانید. در این نامه قیامت هست، توحید هست، انبیا سلسله جلیله و محترمی هستند. چرا انور یاسین، حامد

بن سیرین و دیگر محققان که به بررسی رسائل الحکمه پرداخته‌اند، در هیچ کجای کتابهای چند صد صفحه‌ای خود، به این قبیل متون و نامه‌ها نپرداخته‌اند و تنها با اشاره‌ای گذرا به چنین محتواهایی، آنها را «عوام فریبی» خوانده و از کنار آنها گذشته‌اند؟

باید توجه داشت اغلب محققان این حوزه که در انتها به کفر دروزیه رسیده‌اند، همان کسانی هستند که وقتی از شیعه امامی یا سایر اقلیت‌های مذهبی می‌نویسند، ایشان را با قاطعیت کافر می‌خوانند. جماعتی که حکمشان به کفر، آسان‌تر از حکم به اسلام است، به عنوان نمونه، محمد احمد خطیب در مقدمه کتاب «کشف الأسرار» خود که به نقد کتاب معروف امام خمینی به همین نام می‌پردازد، نه تنها شیعه را غیرمسلمان، بلکه دشمن اسلام، عامل تفرقه و استوار بر روشی کثیف و حيله‌گرانه برمی‌شمرد و در تمام کتاب ۳۰۰ صفحه‌ای خود، به آن دامن می‌زند.^{۸۱} انور یاسین نیز در کتاب «تعلیم الدین العلوی» فرقه علویه یا همان نصیری را که به نظر ما مسلمان و ایتم آل محمد هستند، با اتهاماتی بسیار نزدیک به آنچه در خصوص دروزیه گفته می‌شود، دشمنان اسلام از ریشه می‌خواند. در مقابل این گروه کسانی همچون محمود شلتوت رئیس سابق دانشگاه الأزهر، محمد عبداللطیف سبکی رئیس سابق هیئت افتاء الأزهر و سید محمدحسین فضل‌الله از علمای بزرگ لبنانی هستند که به اسلام دروزیان قائلند.^{۸۲}

نتیجه‌گیری

۱. رسائل الحکمه معتبرترین و مورد قبول‌ترین کتاب فرقه‌ای دروزیان است. در جای جای این کتاب، اشارات و ارجاعات به قرآن به چشم

۸۱. رک: کشف الأسرار.

۸۲. مجله الضحی، لبنان، ۱۰ کانون الأول ۱۹۶۸م.

می خورد، بنابراین نمی تواند عدل قرآن باشد.

۲. اصرار در روزیان بر مخفی نگاه داشتن رسائل، الزاماً دلیل بر خطیر بودن محتویات رسائل و معتقدات ایشان و در نتیجه باطل بودن آن نیست. این نوع برخورد را می توان ناشی از دلایلی همچون شرایط سیاسی، اعتقاد به نوعی طبقه بندی اطلاعات، ترس از سوء برداشت و ... دانست.

۳. در خصوص اعتبار این کتاب و استناد آن به فرقه دروزیه، تأملی وجود ندارد، اما باید توجه داشت به دلیل اعتقاد به امکان وقوع تحریف که در خود رسائل نیز بدان اشاره شده است، تمام

نامه های کتاب مورد استناد و قبول اهل فرقه نیست. به علاوه که نامه های تحریف شده به تفصیل نیز مشخص نشده اند. در نتیجه برای بازشناسی این فرقه، باید برداشتی از مجموع رسائل داشت.

۴. در صورت بازخوانی کتاب رسائل الحکمه با در نظر گرفتن سه نکته که عبارتند از: آشنایی با زبان عرفان و گنوسی گری، لزوم تأویل در برخی موضوعات رسائل، و نگاه جامع به تمام آنچه در رسائل مطرح شده است، امکان تغییر و تعدیل نگاه به فرقه دروزیه محتمل است.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابن سباط، حمزة بن احمد، تاریخ الدرور فی آخر عهد الممالیک، بیروت، دارالعودة، ۱۹۸۹م.
- ابن سیرین، حامد، مصادر العقيدة الدرزية، لبنان، دارالأجل المعرفة، ۱۹۸۵م.
- ابن علی، حمزه و دیگران، رسائل الحکمة، لبنان، دارالأجل المعرفة، چاپ پنجم، ۱۹۸۶م.
- ابوترابی، جمیل، من هم الموحدون الدرور، دمشق، دارعلاءالدین، چاپ اول، ۱۸۸۹م.
- ابو عزالدین، نجلاء، الدرور فی التاریخ، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰م.
- اسعد، نسیم اسعد، کشف الستار (بحث موثق فی مذهب التوحید)، دمشق، بی نا، ۲۰۰۴م.
- ایمانی، علیرضا، «تاریخ و اندیشه دروزیه»، در: مجموعه مقالات اسماعیلیه، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ش.
- خطیب، محمد احمد، عقیده الدرور، ریاض، دارعالم الکتب، ۱۹۸۹م.
- همو، کشف الأسرار، اردن، دارعمار، چاپ سوم، ۱۹۸۸م.
- خویی، سید ابوالقاسم و دیگران، التفتیح فی شرح عروة الوثقی، قم، مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث، ۱۳۸۰ش.
- دیبسی، یوسف سلیم، اهل التوحید الدرور و خصائص مذهبهم الدینیة و الاجتماعية، لبنان، بی نا، ۱۹۹۲م.
- دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، فرزانه، ۱۳۸۶ش.
- زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰م.
- زعبی، محمدعلی، الدرور ظاهرهم و باطنهم، بیروت، بی نا، ۱۹۷۲م.
- زهرالدین، صالح، تاریخ المسلمین الموحدین الدرور، بیروت، بی نا، ۱۹۹۴م.
- سبجانی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۸ق.
- سعدی، نبیه محمود، موسوعة هكذا نفهم مذهب التوحید الدرور، دمشق، دارالعلم، ۱۹۹۷م.
- سید جوادی، احمد؛ خرمشاهی، بهاءالدین؛ و فانی، کامران، دایرة المعارف تشیع، تهران، سعید محبی، ۱۳۷۸ش.
- طمیمه، صابر، الغلو و الفرق الغالیة بین الاسلامیین، قاهره، مکتبه مدبولی، ۲۰۰۹م.



- طليح، امين محمد، اصل الموحدين الدروز و اصولهم، لبنان، دارالأندلس، ١٩٦١م.
- عبدخالق، نايف، شمائل المسلمين الدروز و دلائل الآيات و الرموز، لبنان، مكتبة الجيل الصالح، ١٩٩٣م.
- عسراوى، نجيب، المذهب التوحيدى الدرزى، برزيل، بى نا، ١٩٩٠م.
- غزالى، محمد بن محمد، مجموعة رسائل الإمام الغزالى، بيروت، دارالفكر، ١٩٢٤ق.
- فواد ابى خزام، انور، اسلام الموحدين (المذهب الدرزى فى واقعة الاسلامى و الفلسفى و التشريعى)، بيروت، داراليمامة، چاپ اول، ١٩٩٥م.
- قراملكى، فرامرز، روش شناسى مطالعات دينى، مشهد، دانشگاه علوم اسلامى رضوى، ١٣٨٧ش.
- كامل حسين، محمد، طائفة الدروز تاريخها و عقائدها، مصر، دارالمعارف، بى تا.
- مجله الضحى، لبنان، ١٠ كانون الأول ١٩٦٨م.
- مجموعه مقالات فارسى كنگره بين المللى ثقة الاسلام كلينى، قم، دارالحديث، ١٣٨٧ش.
- مكارم، سامى نسيب، اضواء على مسلك التوحيد الدرزى، بيروت، بى نا، ١٩٦٦م.
- نصر، مرسل، الموحدون الدروز فى الاسلام، لبنان، دار الاسلاميه، ١٩٩٦م.
- «نظرخواهى درباره كتاب كافى و شيخ كلينى»، فصلنامه سفينه، شماره ١٨، بهار ١٣٨٧ش.
- وجدى، محمد فريد، دائرة المعارف القرن العشرين، بيروت، دارالفكر، بى تا.
- ياسين، انور، العقيدة الدرزى، لبنان، سلسلة الحقيقة الصعبة، ١٩٨٩م.
- همو؛ سيد، وائل؛ و سيف الله، بهاء الدين، بين العقل و النبى (بحث فى العقيدة الدرزى)، لبنان، سلسلة الحقيقة الصعبة، ١٩٨١م.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

